



Translate Luna
Clean Luna
Type Noma



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

همه اینا رو
دیاته انجام داد؟

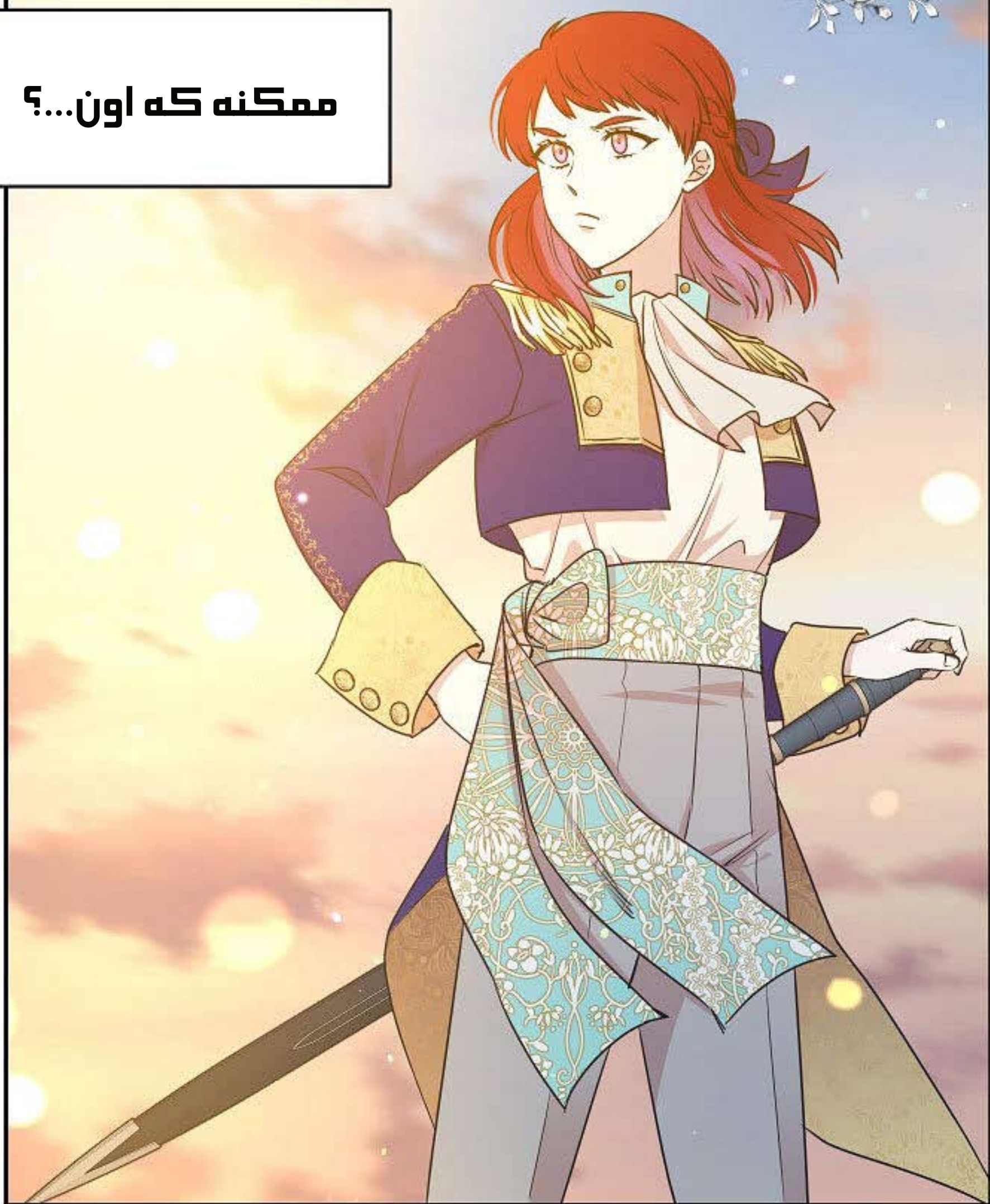
دارم همینو
می گم.



... می تونست
خلاصه وار هرچی زیو که یاد
گرفته مثل پلبل پرات بگه،
ولی...



ممکنه که اون...؟





I Choose
the Emperor
Ending



Acercar♥

رینا، حالت
چطور بوده؟

الان زندگیت
چطوریه... و چی شد که کارت
به کاخ سلطنتی کشید...؟



آه...

اگه برات سخته که
دربارش حرف بزنی...!

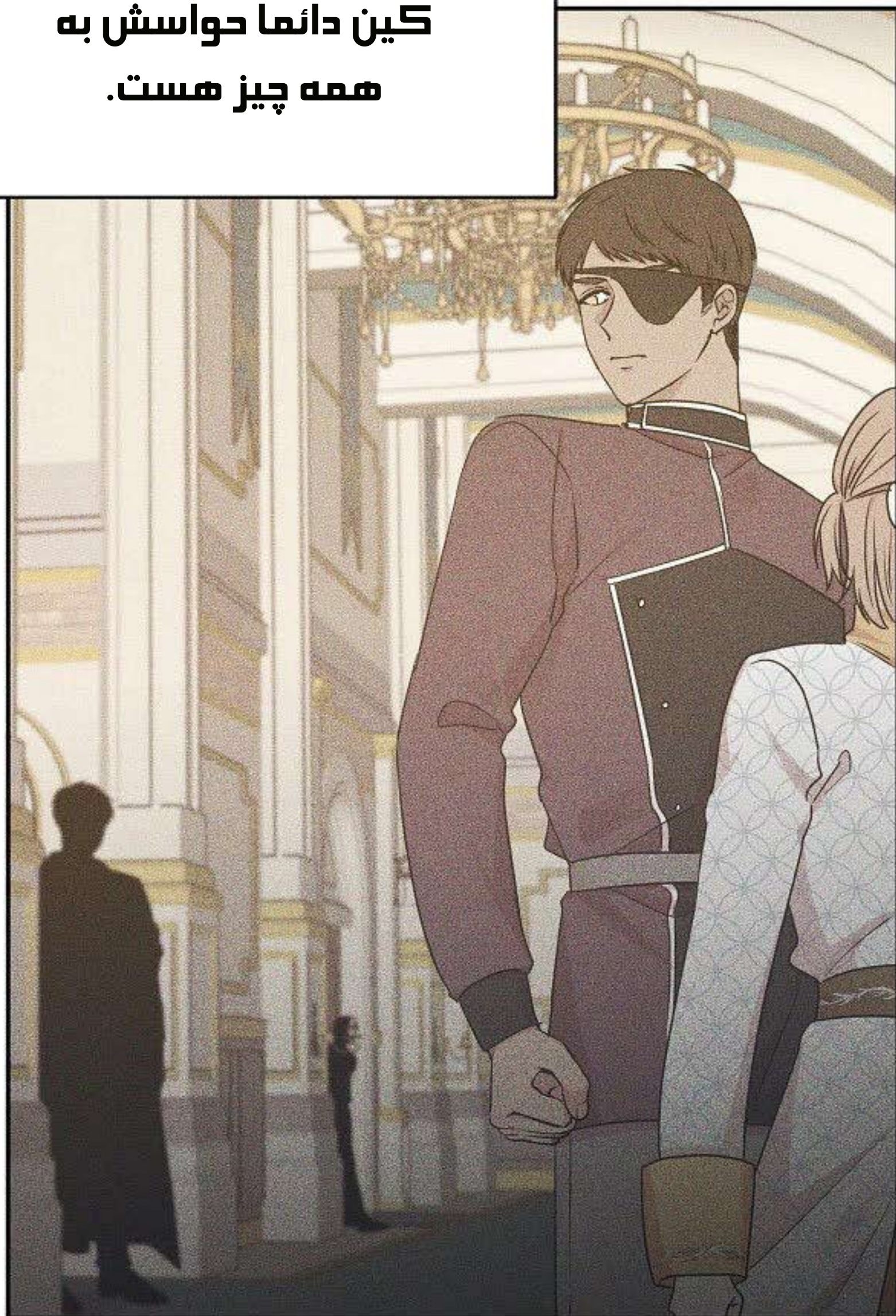
نه، نه،
اینطوری نیست!



Iris
Sekai
T.me/
IriSekai



از وقتی به کاخ اومدیم،
کین دائما حواسش به
همه چیز هست.



ممکنه با امپراطور یه قرار ی
گذاشته باشه، ولی هنوز بهش
اعتماد نداره.



چرا همچین
تصمیمی گرفت، حتی
با اینکه به وضوح می دونست
چقدر ریسکش
بالاست...؟

هیچ راهی نداره
که بفهمم اون چطور
فکر می کنه.

ولی به چیزیه
مطمئنم...

Tris
Sekai
T.me/
TrisSekai

ادوارد!

کین طرف امپراطور
نیست. فقط...



می دونم.

من انگیزه کین
رو می دونم.



ادوارد...



... تقصیر
تو نیست.

معلومه
که نیست.

از جرئتت
خوشم میاد.

Chuk

Chuk

Chuk

Chuk

!!



... ارتش امپراطوره.
انگار حالا که همتون اینجا
هستین دارن امنیتشون رو
مستحکم تر می کنن.

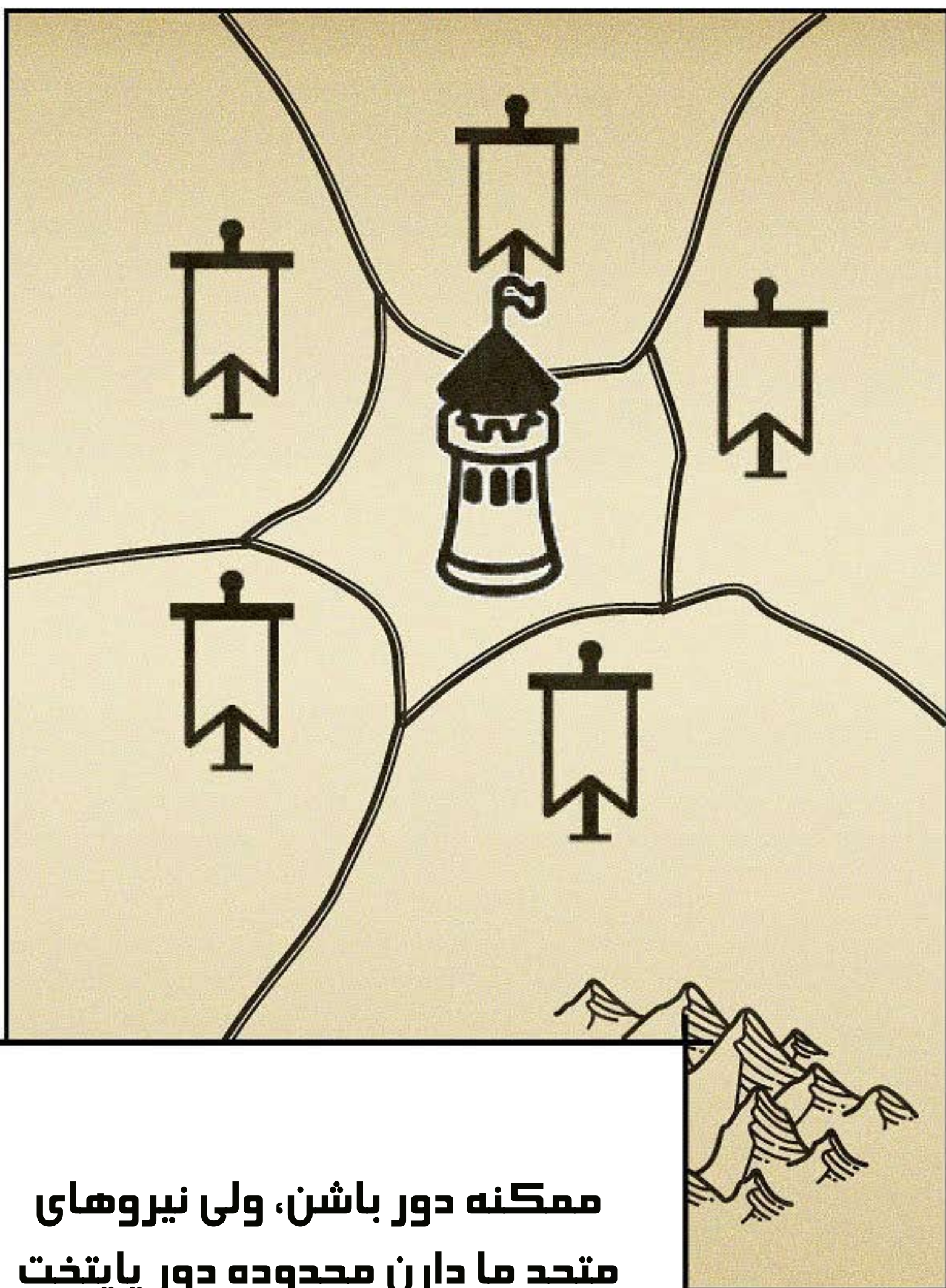
آره اینطور
به نظر میاد.

پس این شروع
یه نبرده.



یا بینیم
در حال حاضر چیا
اینجا داریم.

Tris
Sekai
T.me/
TrisSekai



**ممکنه دور باشن، ولی نیروهای
متحد ما دارن محدوده دور پایتخت
رو تصرف می‌کنن.**

ولی تا زمانی که رهبر
نیروه‌های متحد، یعنی ادوارد
و شاهزاده تاجدار،



در کاخ سلطنتی هستند،
گروه‌های خارج از اینجا نمی‌تونن
دست به حرکت عجولانه‌ای بزنن.

که این یعنی...

گفتی دیاثه هم
این جاست، درسته؟



بهش بگو بیاد
پیش من.

اگه تونستن تو رو
تا اینجا بیارن، مطمئنم
حتماً به راهی وجود
داره.

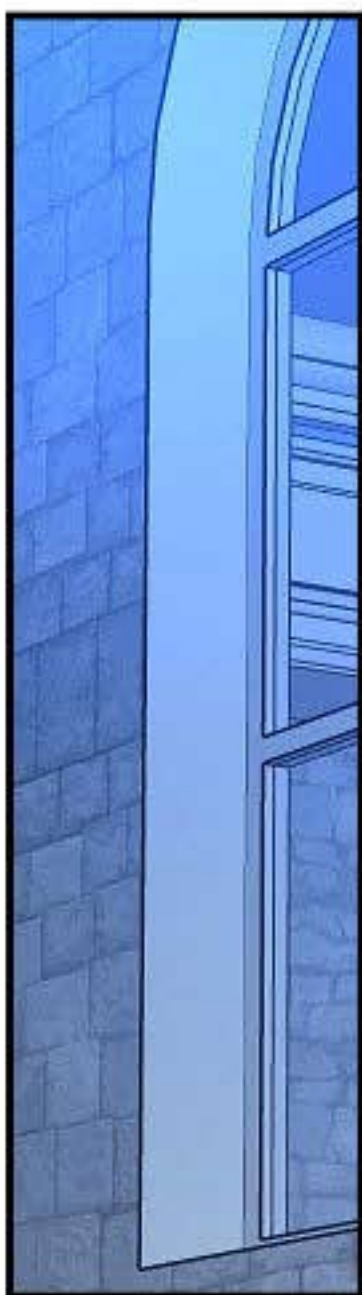
Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai

برای حرکت
نیروهای متحد،

اول باید داخل قصر چند
تا تغییر ایجاد کنیم!



رینا، واقعا مشکلی
برات پیش نمیاد؟



تا طلوع خورشید
کنارت می‌مونم...

Pat

Pat

حالم خوبه!

حتماً از وقتی اومدی
اینجا اصلاً استراحت
نکردی. حداقل یه دو
دقیقه چشمتو رو هم
بزار!



Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

درسته...

عجب
شیر زنی شده
واسه خودش...

من می رم،
فعلاً...

اوکی، خدا
به همراهت!

Empujar





ب، بېخشيد!
نهي خواستم اين
كارو بكنم!

puffff --

.....

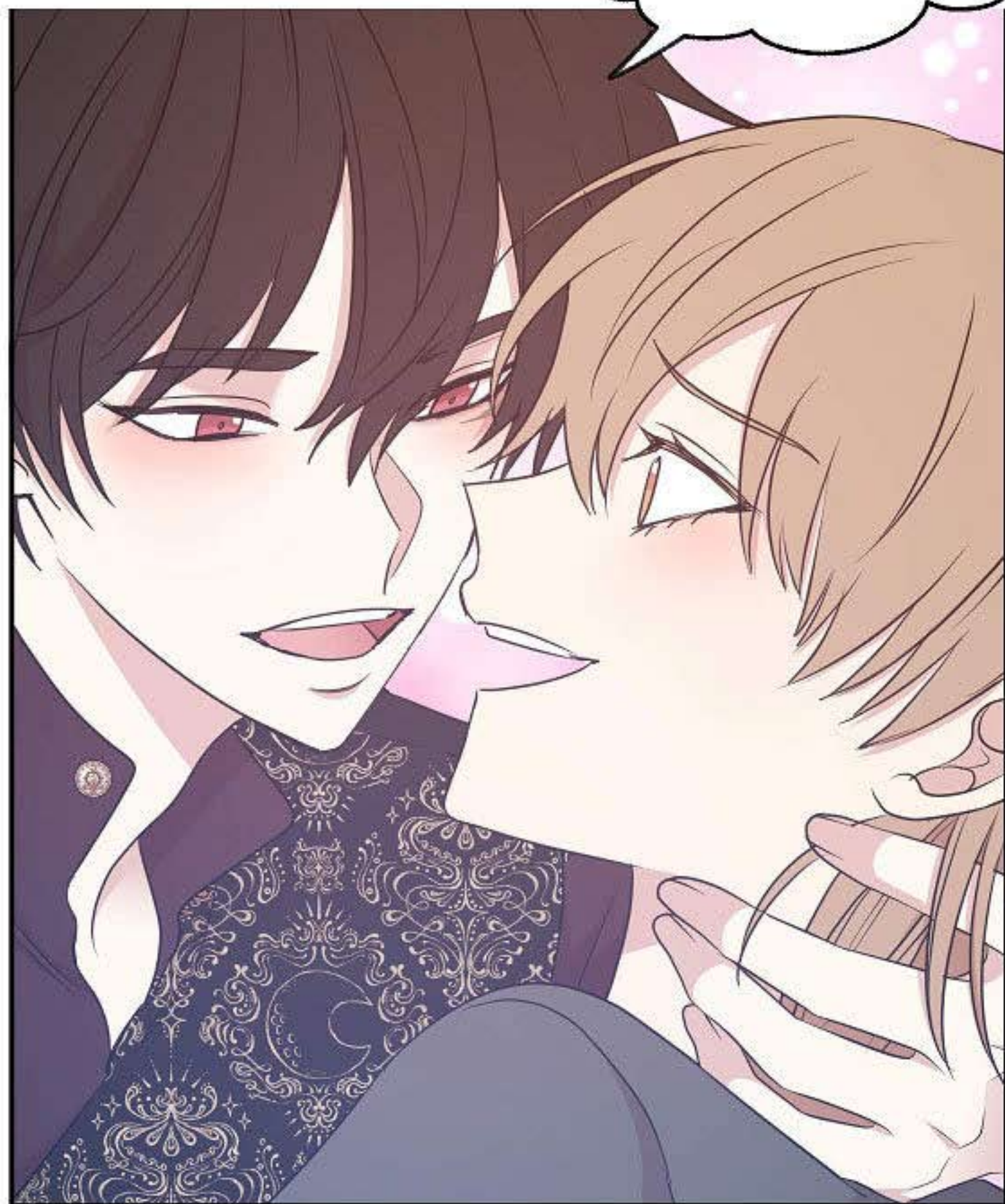
Agitar

Agitar

نمی تونم جلوی
خودمو بگیرم...!



**رینا،
خیلی عاشقتم!**



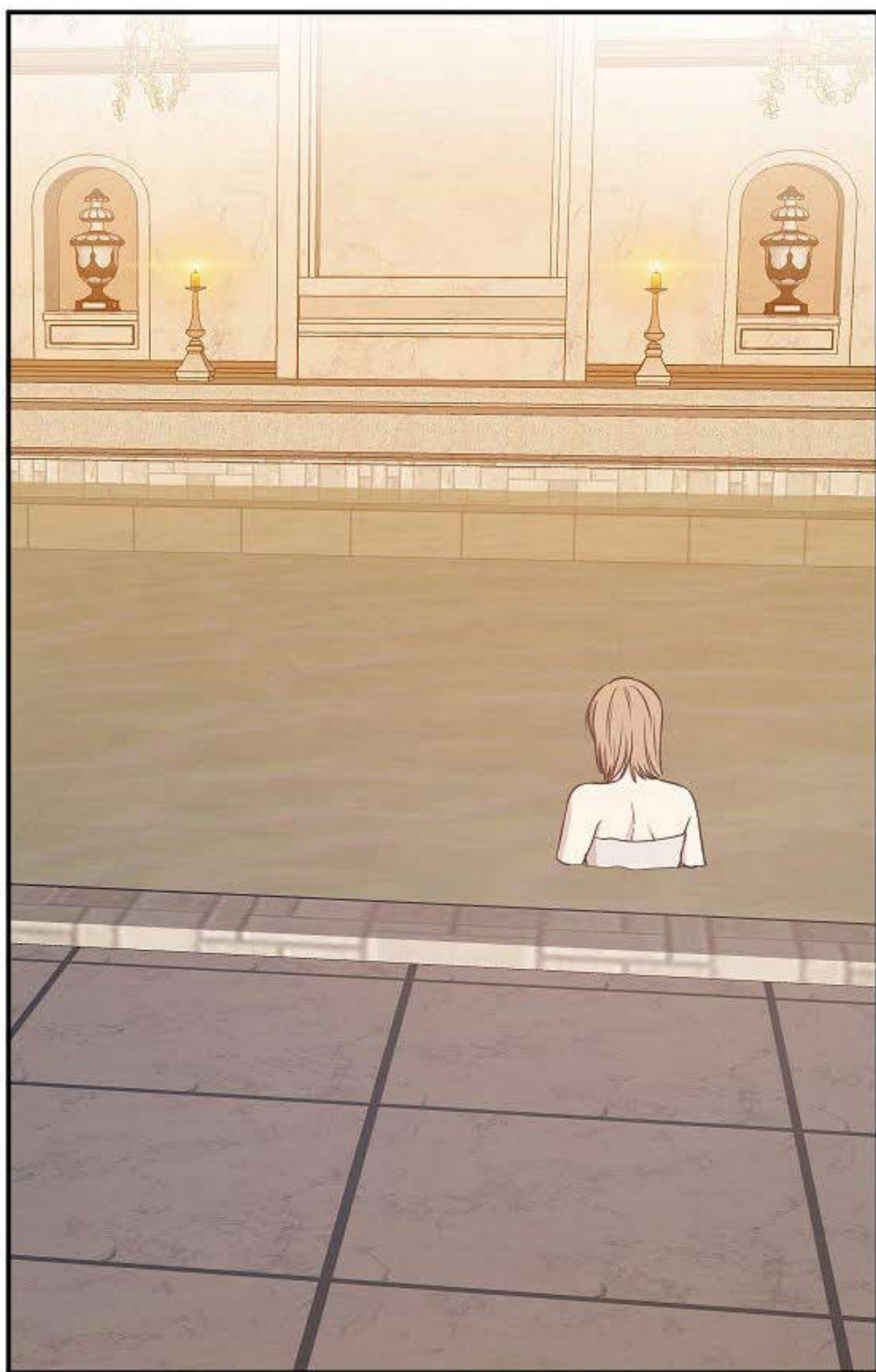
وقتی خوابت
برد می‌رم.

نه بابا او کیم...

Levatar!

آره. تو
راست می‌گی. واقعا
عاشقتم.

عیج، بی خیال...!

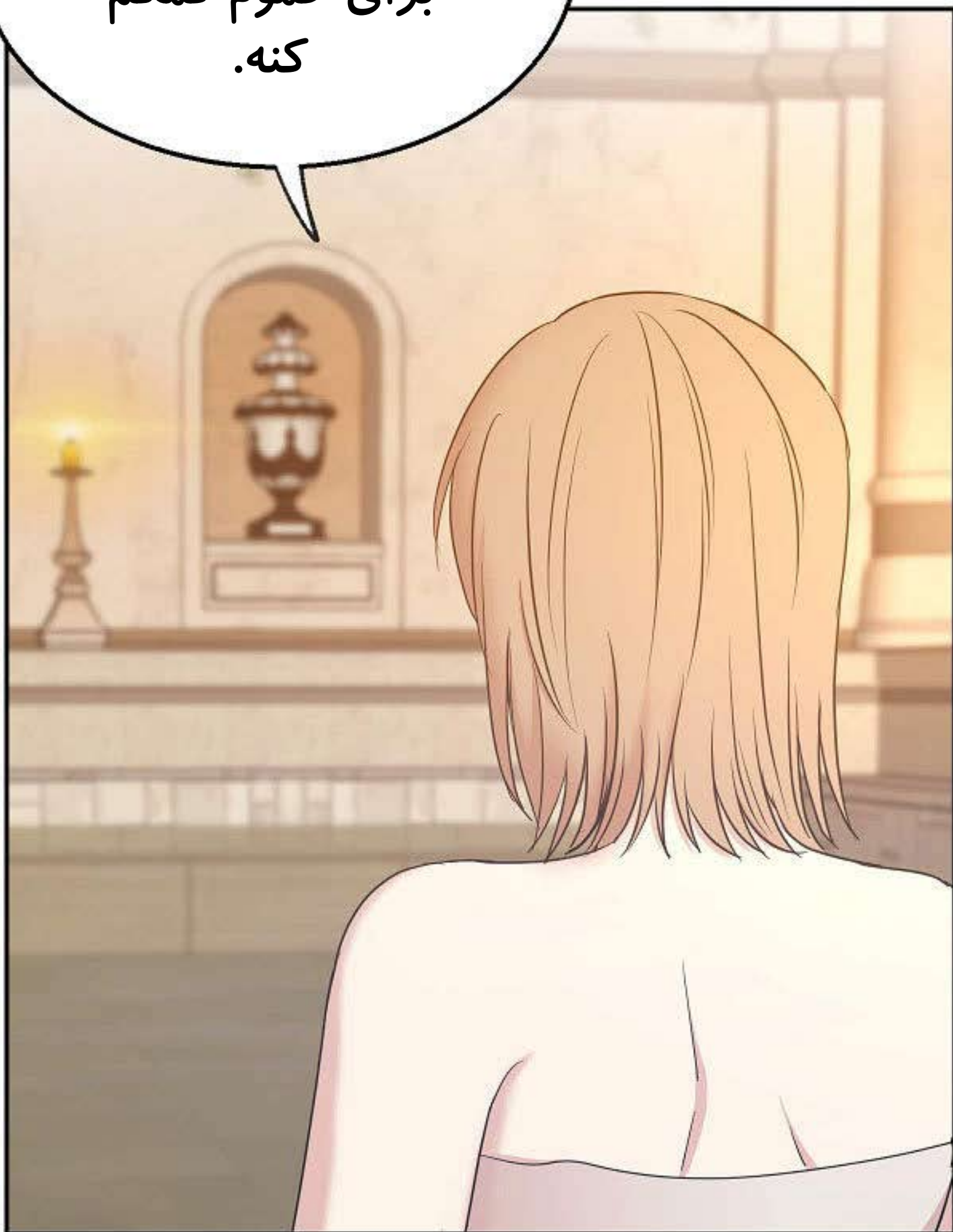


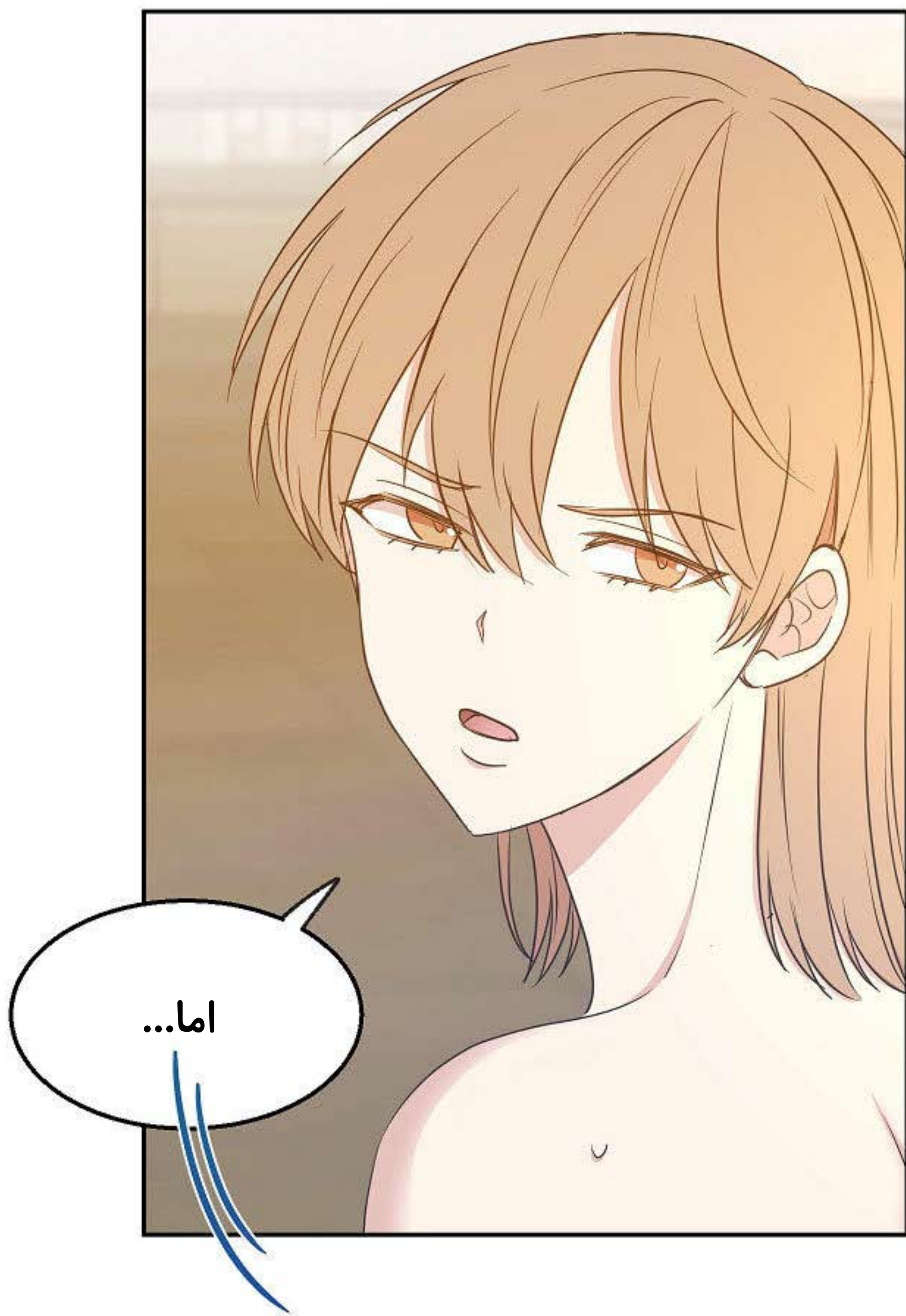


Tris
Sekai
T.me/
triSekai

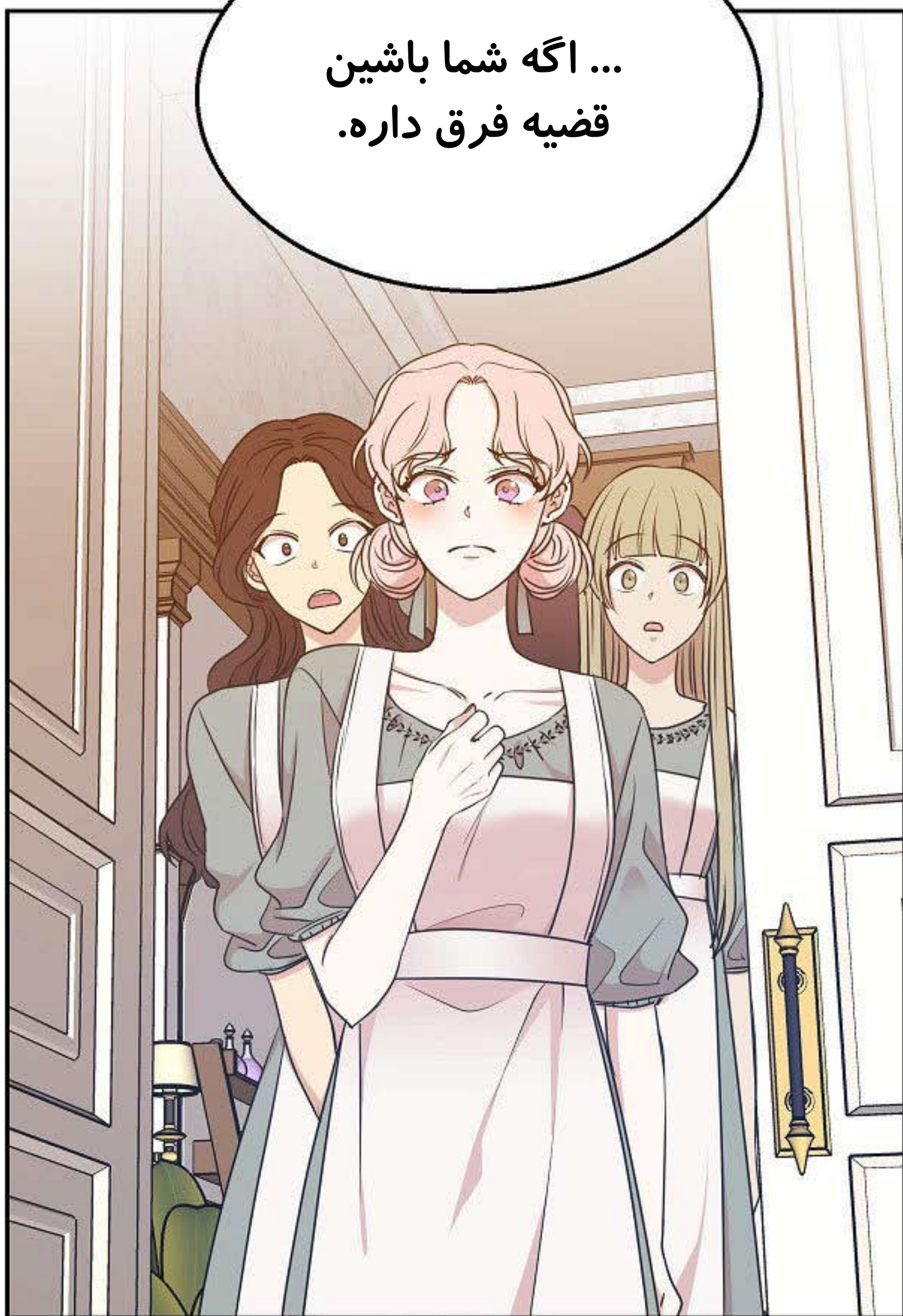
Chirrido..

مثل همیشه،
اصلاً نیاز نیست کسی
برای حموم کمک
کنه.





... اگه شما باشین
قضیه فرق داره.



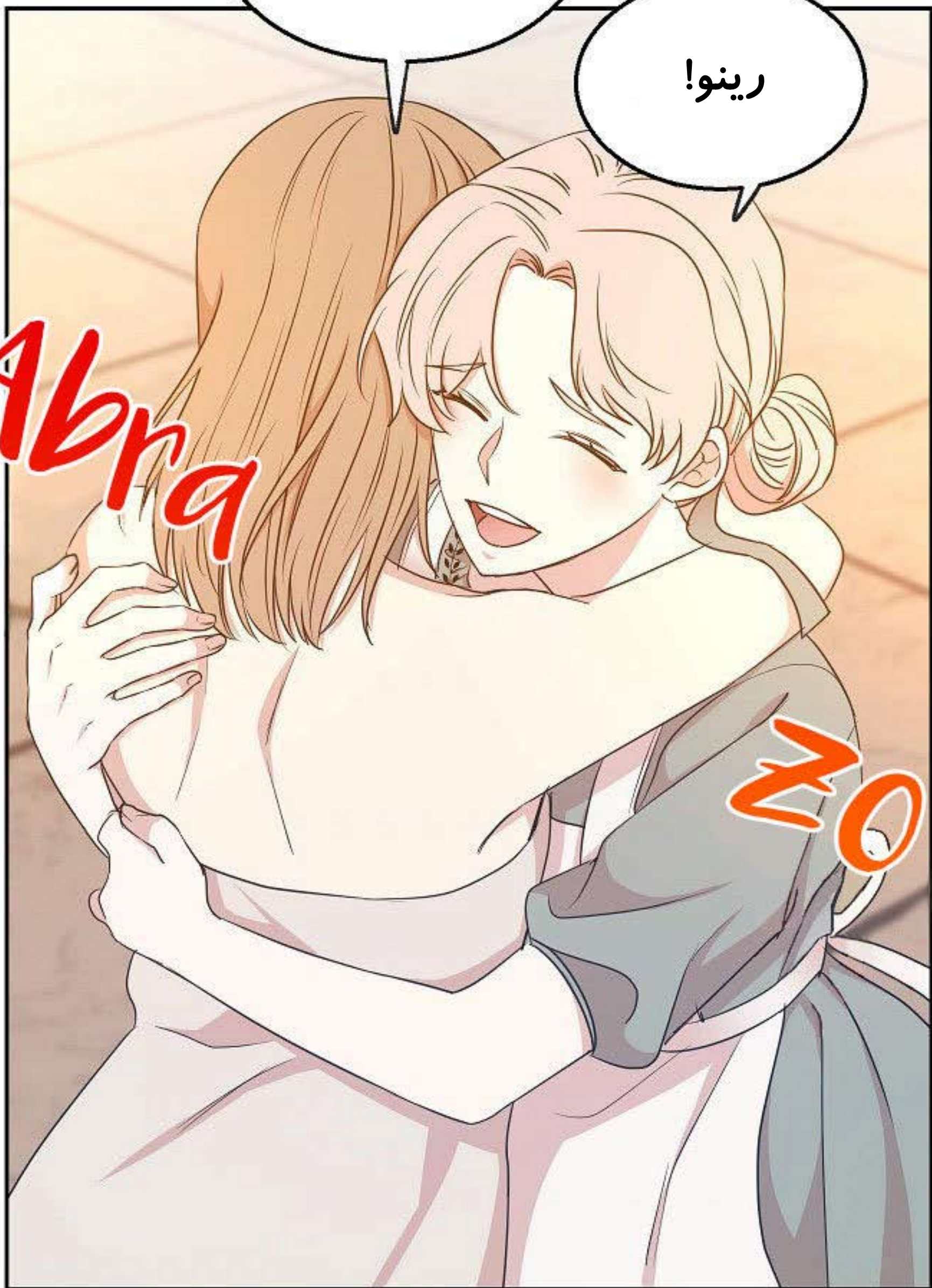


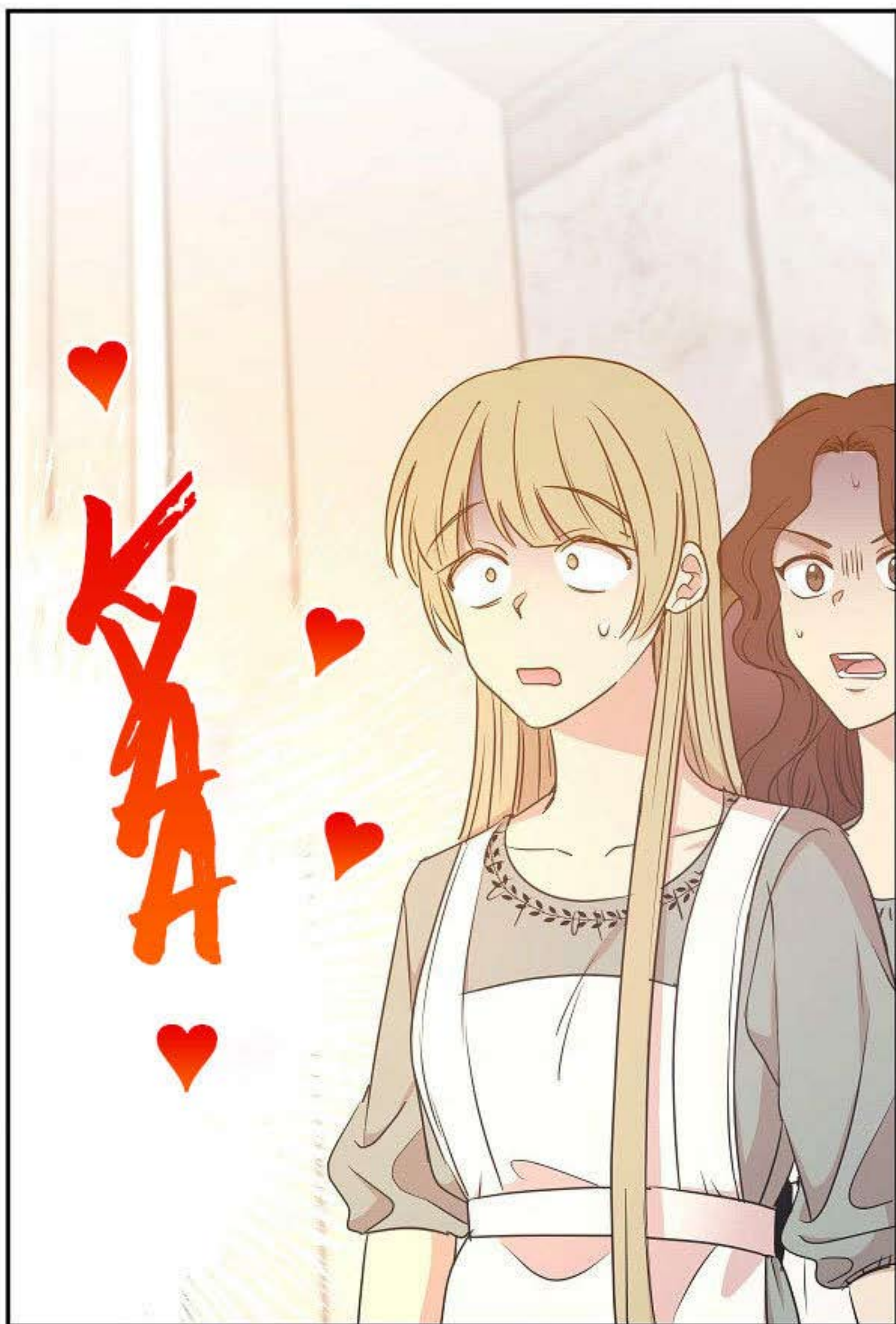
دیاثہ!

رینو!

Abra

زو





ولی بیینم، اینجا
بہت کمک می‌کردن
حموم کنی؟ تفہمیدن تو
یہ زنی، تفہمیدن؟

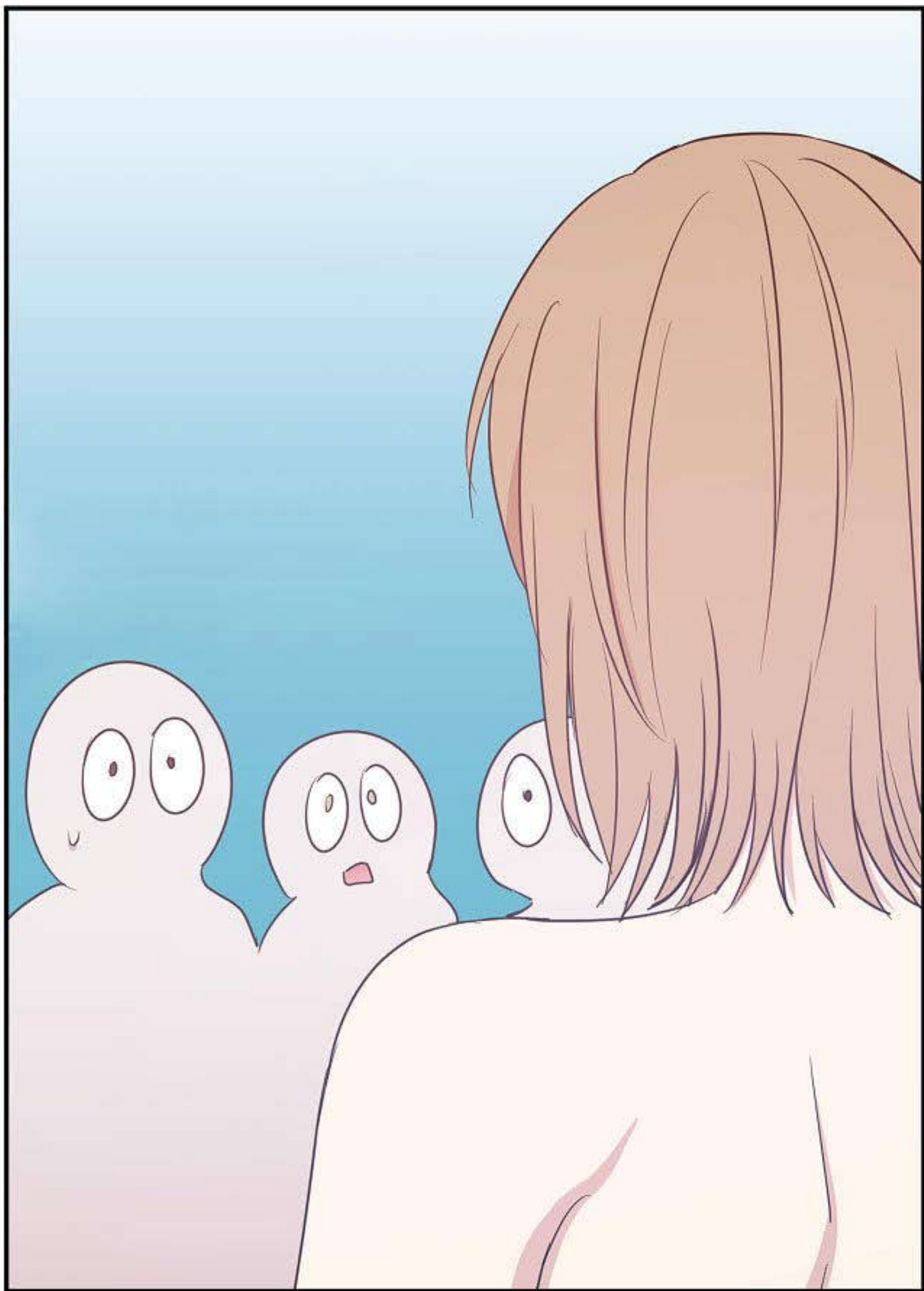


نہ بابا هیچ کس
نفہمید. یہ متحد ہم
داریم تازہ~

یه متحد؟

Iris
Sekai
T.me/
IriSekai

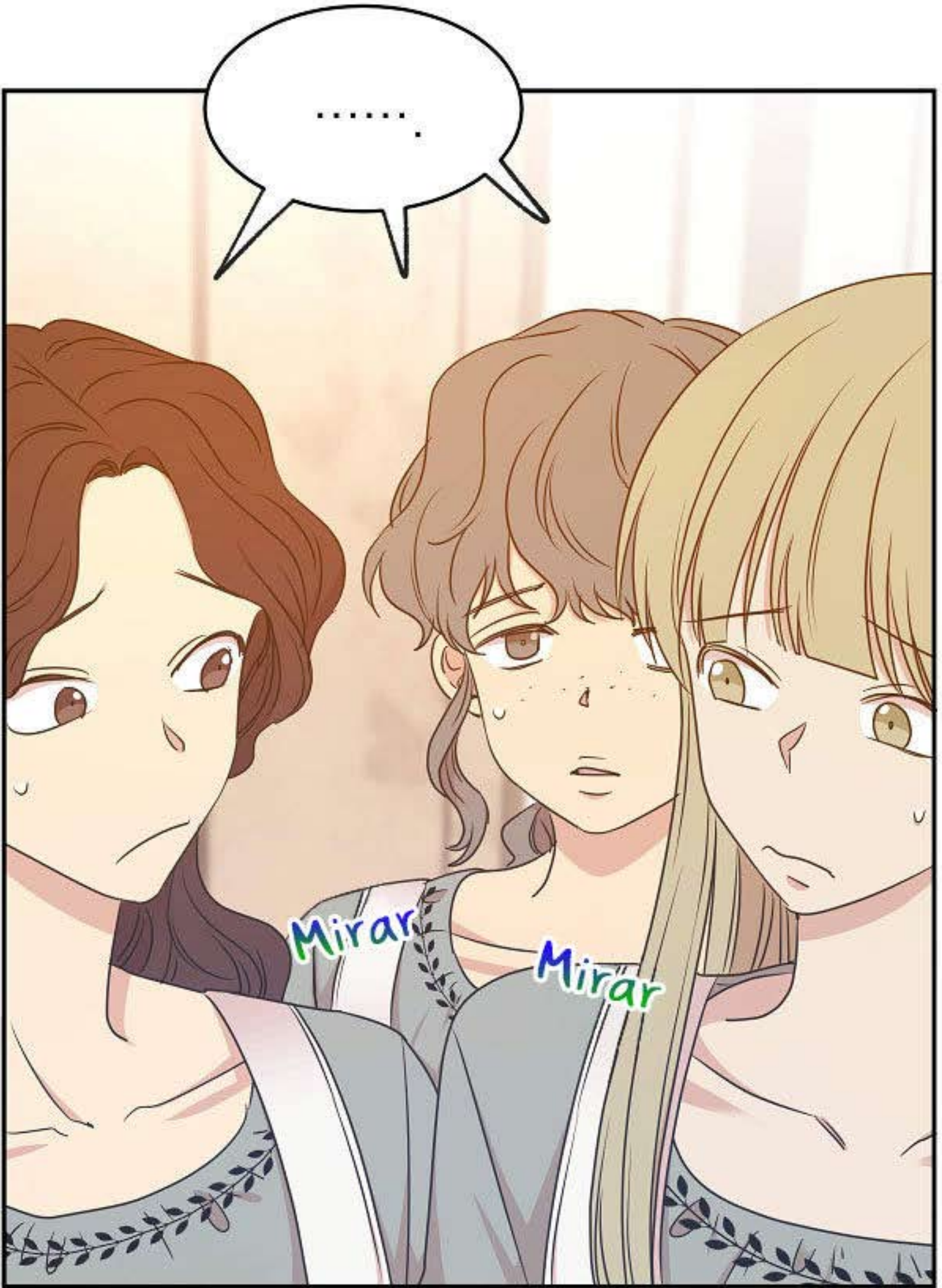
مطمئن نیستم
بتونیم "متحد"
صداش کنیم،
اما...

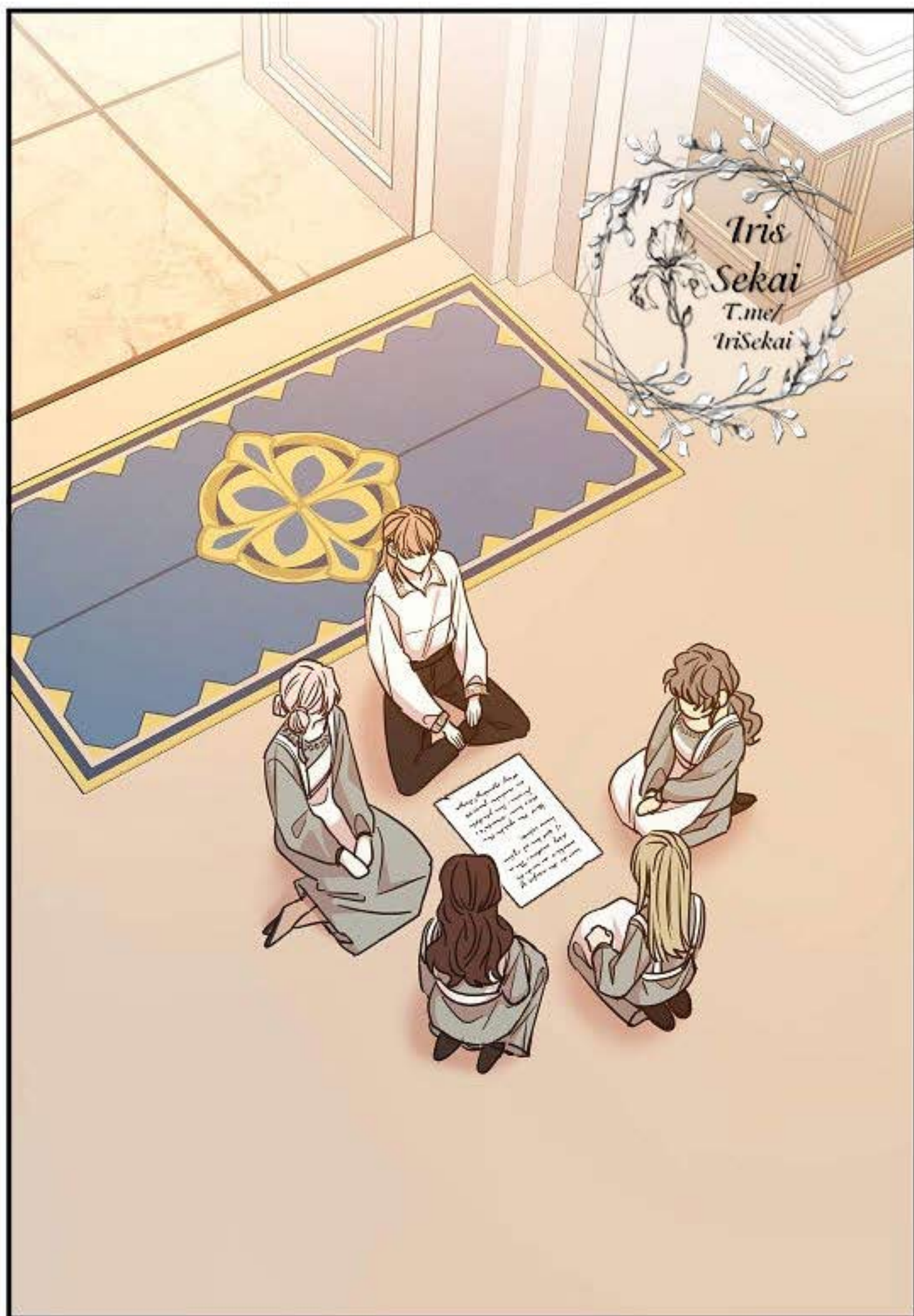


Incomodo

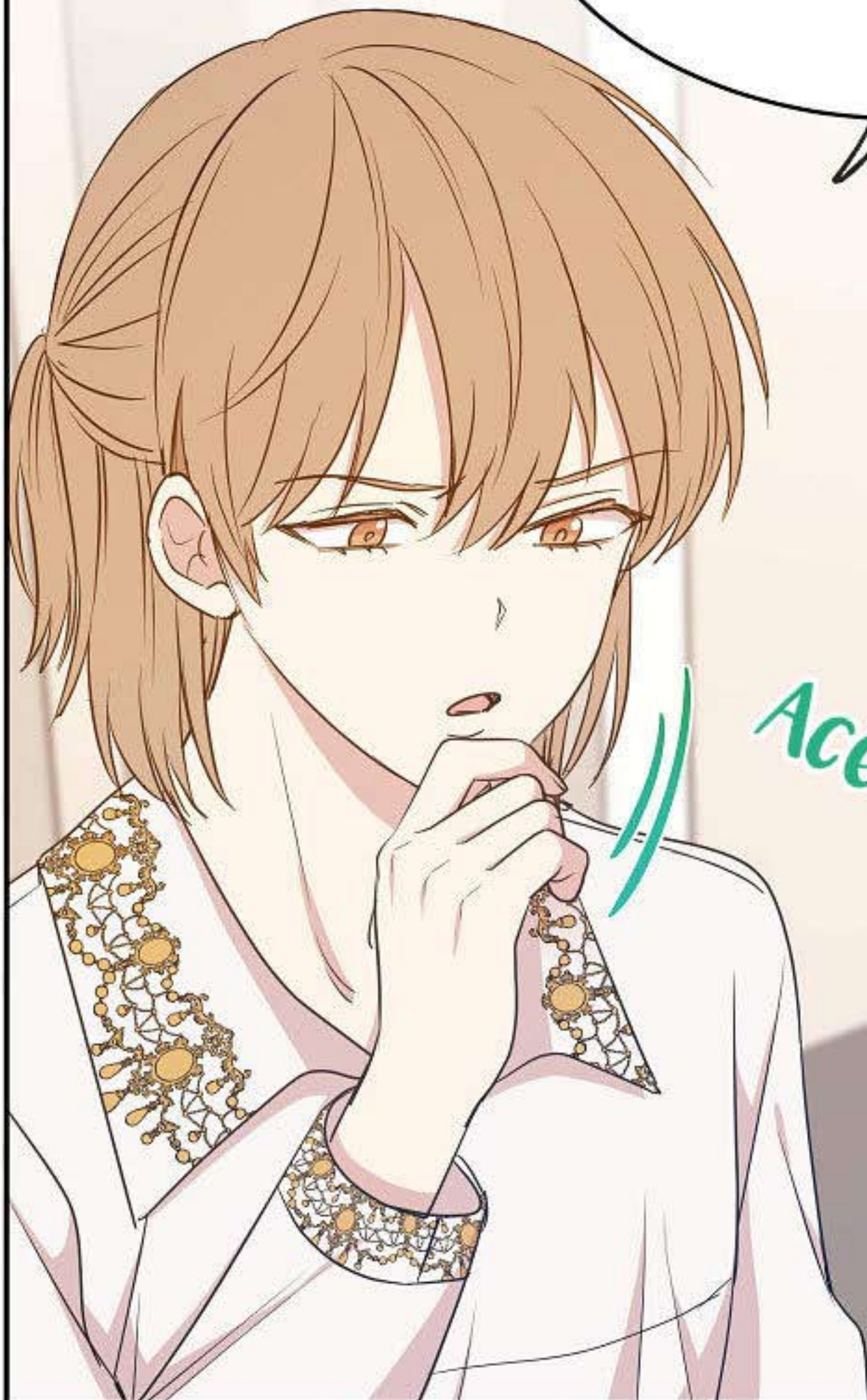
پس تو واقعا
یه زنی...

آره، ببخشید
که این همه مدت
ازتون مخفی کردم.





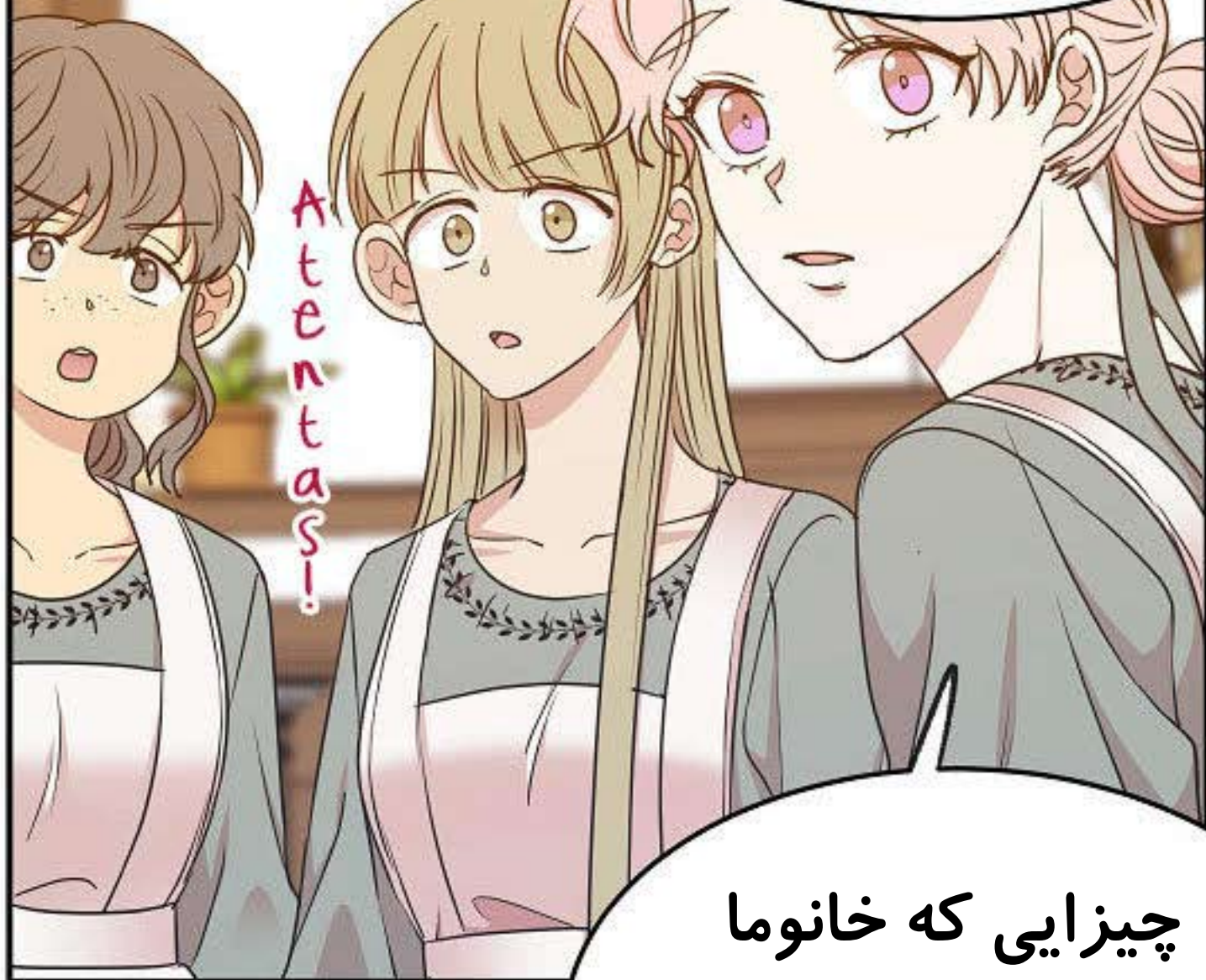
فهمیدم. پس
این طوری خدمتکارو اوردین
تو گروه خودتون...



Acentir

بزار بینم، ممکنه
بتونم چیزایی رو بسازم
که خانوما نیاز دارن،

ولی سخته در ملأ
عام ازشون پرسسم.



چیزایی که خانوما
میخوان اما سخته که
در ملأ عام پرسسی؟

خوبه، همین امروز
شروع می‌کنم، پس...
بانو دیاثه.



لطفاً به شبکه
اطلاعاتی با "اون یارو"ه"
درست کن!



To Be Continued



Story : KIM SUO

Art : jaradog

©DAONCOMICS



از شما برای خواندن کارمون
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیگمون رو هم بخونین.

@IriSekai

